

بحران مزمن اندونزی: خانواده سالاری و نشنیدن صدای مردم

اندونزی در چنبرهٔ دردهای بزرگ گرفتار آمده است، مردمش بی‌قرارند و در آستانه یک شورش قرار دارند. سوهارتو رئیس‌جمهوریش با یکی از بزرگترین بحرانهای دوران فرمانروایی سی‌ساله خود روبرو است و ممکن است برای حفظ اقتدار خود دست به مانورهای جدید بزند.

●●●

شش فرزند سوهارتو رئیس‌جمهوری اندونزی عادت کرده‌اند با سوء استفاده از اقتدار پدرشان هر کار دلشان می‌خواهد بکنند، به ویژه پسر دوم او گوی سبقت را از دیگران ربوده، بیشترین بهره‌برداری را از نفوذ پدرش کرده و به ثروتهای هنگفت دست یافته است. «یامیانگ تری هاتموجو» در حال حاضر صاحب بزرگترین صنایع اتومبیل‌سازی، پتروشیمی، خطوط هوایی، هتل‌های متعدد، یک گروه صنایع مخابرات، یک ایستگاه فرستنده تلویزیونی و یک بانک است. ماه گذشته، به دنبال آغاز بحران بزرگ اقتصادی در کشورهای آسیای جنوب شرقی، مقامات اقتصادی اندونزی بانک او را به همراه پانزده بانک دیگر به دلیل ایجاد اختلال در روند اعتبارات بانکی تعطیل کردند. به دنبال این اقدام «یامیانگ» علیه وزیر دارائی و رئیس بانک مرکزی اندونزی اعلام جرم کرد و آن را «یک حرکت سیاسی برای بد نام کردن نام خانواده سوهارتو» توصیف نمود. امروزه در جا کارتا حرکت‌های متعددی علیه او در جریان است که اگر او بخواهد با همه آنها مقابله کند دست آخر باید رو در روی پدرش سوهارتو بایستد.

در اوائل ماه نوامبر سوهارتو زیر فشار پاره‌ای محافل و منابع بین‌المللی مجبور شد شرایطی را بپذیرد که همواره از آن هراس داشت: بین امتیازهای فامیلی و مصلحت و سعادت ملتش یکی را انتخاب کند، بانک جهانی با حمایت ایالات متحده، ژاپن و سایر کشورهای ذینفع با پرداخت ۳۸ میلیارد دلار به اندونزی موافقت کرد و آنرا مشروط به شرایطی ساخت که برای سوهارتو و

اقتدار سیاسی او بسیار گران تمام می‌شد. در این شرایط آمده است که سوهارتو باید گام‌هایی صادقانه در جهت پاکسازی اقتصاد فاسد کشور و حذف مقرراتی که تنها برای طبقه‌ای خاص وضع و اجرا شده است، بردارد و سیستمی نوین را جایگزین آن کند. اصلاح طلبان اندونزی می‌گویند سوهارتو با آنکه برایش بسیار دردناک است، هیچ راهی جز آنکه پاکسازی را از فرزندان و گروهی از اطرافیان خود آغاز کند ندارد.

«دوی فورونا انور» کارشناس مرکز مطالعات توسعه و اطلاعات اندونزی می‌گوید: «سوهارتو



نیمی از عمر خود را برای ساختن کشور صرف کرده و از اینکه ملت را از سقوط نجات داده است به خود می‌بالد، بنابراین او حالا نیز باید اقتصاد را در مرحله نخست مسائل کشور قرار دهد، حتی اگر چنین اولویتی به قیمت فدا کردن امتیازهای تعدادی معدود از اطرافیانش تمام شود». زمینه‌ها و حوزه‌های زیادی برای پاکسازی موجود است: ۲۳۹ بانک اندونزی به عنوان بخشی از سیستمی که ناکامیهای اقتصادی کشور را به ارمغان آورده‌اند شناخته شده‌اند. این بانکها همواره در بحرانهای کوچک مالی با دست و دل‌بازی پول خرج

می‌کردند، پولی که وقتی به سرخ آن می‌رسید اثر انگشت یکی از افراد فامیل سوهارتو را در آن به وضوح مشاهده می‌کردید. حالا آن دوران گذشته است و دیگر پولی در بساط نیست که این افراد بریزند و بپاشند.

اندونزی امروز به عنوان بدهکارترین کشور در جهان سوم ۱۲۵ میلیارد دلار بدهی دارد که بیش از نیمی از آن، بدهیهای بخش خصوصی است که تنها شش ماه برای بازپرداخت آنها وقت باقی است. بسیاری از اعتباراتی که بانکها داده‌اند جزو «اعتبارات بد» هستند که بیست درصد آنها غیرقابل برگشت برآورد شده‌اند.

مگر عیبی دارد؟!

بحران بانکی باعث شده است که سرمایه‌های خارجی از اندونزی فرار کنند و اقرار «یامیانگ» پسر آقای سوهارتو نیز نتوانسته است جلوی فرار سرمایه را بگیرد. «یامیانگ» اقرار کرده است که او و شرکایش بیست درصد از اعتباراتی را که از بانکها دریافت می‌کرده‌اند به حسابهای شخصی خود در شرکتهای متعددی که دارند سرازیر می‌کردند و به این ترتیب قوانین بانکی و اعتباری را زیر پا گذاشته‌اند. «یامیانگ» برای دفاع از خود و توجیه اقدام غیرقانونیش می‌گوید ۹۰ درصد از بانکهای اندونزی همین کار را می‌کنند و می‌گوید: «مگر چه عیب دارد که فرزندان رئیس جمهوری به کسار تجارت و داد و ستد بپردازند؟»

تقریباً همه اطرافیان سوهارتو نامشان در برملا شدن مفاسد مالی به چشم می‌خورد: «پروپوسوتجو» برادر ناتنی سوهارتو نیز آنچنان به کارهای غیرقانونی دست زده بود که بانکی که او صاحبش است در زمره بانکهای درآمد که تعطیل شد، او نیز از امضای حکم به تعطیل بانک خودداری، و تهدید کرد که علیه مقامات مالی کشور اعلام جرم خواهد کرد زیرا حق انسانی او زیر پا گذاشته شده است!

«سیتی هدایتی پرابو» دختر سوهارتو رفتاری مسالمت‌جویانه‌تر از خود نشان داد و زمانی که مأموران دولتی بانک اعتبارات صنعتی او را تعطیل کردند سکوت اختیار کرد. سایر فرزندان رئیس جمهوری ترجیح دادند در این گیر و دار پراشوب به مقررات جدید تن در دهند. بانک اوتاما متعلق به «سیگیت» بزرگترین فرزند سوهارتو نیز در فهرست بانک‌هایی بود که باید تعطیل می‌شدند ولی در آخرین لحظات او موفق شد بیان بانک خود را از طریق دریافت پول از یکی از خواهرانش متعادل کند. بانک یاما متعلق به «سیتی هارد یانتی روکومانا» دختر اول سوهارتو که به «توتوت» شهرت دارد با دریافت وام از مؤسسه ثروتمند لیوم سیولیونگ متعلق به شخص سوهارتو بانک خود را از تعطیل شدن نجات داد.

در اواسط سال ۱۹۶۰ که سوهارتو در پی یک کودتا احمد سوکارنو بانی استقلال اندونزی را از کار برکنار و خود قدرت را به دست گرفت اندونزی کشوری بود فقیر و گرسنه که در آستانه سقوط کامل قرار داشت. رژیم سوهارتو از همان اوائل زمامداری دست به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های بهداشت، آموزش و توسعه مناطق روستایی زد و با ادامه این سرمایه‌گذاریها سطح زندگی ۱۷۵ میلیون از دویست میلیون جمعیت اندونزی را به بالای خط فقر ارتقاء داد. امروز درآمد سرانه در اندونزی یک هزار دلار در سال است، با این همه، دستاوردهای رژیم بسیار شکننده است و برای نخستین بار در مدت سی سالی که سوهارتو مستبدانه بر اندونزی حکومت می‌کند اندونزیاییها با دورانی سخت و خشن روبرویند که احتمال خارج شدن از آن و رسیدن به سطحی بهتر از زندگی بسیار کم است. سوهارتو در ۷۶ سالگی شاهد بروز ضعف در پول کشور خود، افزایش سرسام‌آور تورم و کاهش شدید سرمایه‌گذاری است که دوران حکومت سوکارنو را در خاطرها زنده می‌کند. اقتصاددانان می‌گویند چنانچه نرخ رشد سالانه اندونزی از ۷ درصد به ۵ درصد سقوط کند (که تقریباً حتمی است) رژیم حتی قادر به تأمین شغل برای ۲/۵ میلیون نفری که سالانه به نیروی کار کشور افزوده می‌شوند نخواهد بود.

انفجار اقتصادی...

پرزیدنت سوهارتو در پی بروز بحران بولی در کشور گفت: «ظاهر شدن از هم گسیختگی در مسائل پولی کشور و سقوط ارزش پول هر چه

را در چند دهه رسته بودیم پنبه کرد.»

در سه دهه گذشته سوهارتو با وسواس و دقت فراوان به بهبود زیربنای اقتصادی کشور پرداخت ولی اعتماد بیش از اندازه به اطرافیان و فرزندان موجب شده است همه آن زیربناها به لرزه درآیند و کشور در آستانه یک انفجار اقتصادی که آثار آن در سیاست و اقتدار دیکتاتور اندونزی نیز ظهور خواهد کرد قرار گیرد.

تکنوکراتهای اندونزی که کار خود را با نمایندگان صندوق بین‌المللی پول آغاز کرده‌اند به عنوان بخشی از طرحهای نجات کشور به سرعت توجه خود را به روی فرزندان سوهارتو به عنوان عاملان اصلی بحران اقتصادی متمرکز کرده‌اند. در گذشته نیز عده‌ای از قدرتمندترین افسران ارتش و تکنوکراتهای تحصیل کرده در غرب تلاشهای بسیار کرده بودند که به سوهارتو بقبولانند جانی باید جلو فرزندان را بگیرد ولی هیچیک از اندرزاها و توصیه‌های آنها مورد قبول سوهارتو واقع نشده بود. اما امروز سوهارتو پذیرفته است که باید به حرف دیگران گوش کند، دیگر مسائل کشور نه شوخی کردنی است و نه پشت گوش انداختنی. تنها سرمایه‌های خارجی دچار بحران نیست، ارزش رویه اندونزی سی و سه درصد سقوط کرده است که اختلال‌های عظیمی را در کل اقتصاد کشور باعث شده است. سیاستگذاران دستگاه رهبری سوهارتو مؤسسات اصلی مالی را که دچار تزلزل هستند هدف گرفته‌اند. بانک مرکزی اندونزی می‌گوید هفتاد درصد از ۲۳۹ بانک اندونزی یا باید درصد تهیه پول و متعادل کردن بیان خود باشند و یا در بانکهای ثروتمندتر ادغام شوند. تکنوکراتها همچنین از سوهارتو می‌خواهند انحصارات دولتی را انشاء کند و تعرفه‌های بالای گمرکی را که معمولاً در جهت حفظ منافع خانواده او برقرار شده کاهش دهد. صندوق بین‌المللی پول پا را از این نیز فراتر نهاده و از رئیس جمهوری خواسته است در فعالیتهای شرکت سازنده لوازم یدکی هواپیماهای جت مسافربری (پروژه‌ای متعلق به دکتر بی. جی. حبیبی که از نزدیکان خانواده سوهارتو است) و «خودرو ملی» شرکتی متعلق به تامی پسر سوهارتو و یک شرکت سازنده اتومبیل کره جنوبی تجدید نظر کند.

در این حال کاهش ارزش رویه دولت را برای بالا بردن نرخ بهره وامهای کوتاه مدت به ۳۰ درصد یا بیشتر تحت فشار گذاشته است. کمبود

نقدینگی به ویژه به شرکتهای کوچک که درآمد ارزی ندارند لطمه‌های شدید وارد کرده است. تقریباً همه فعالیتهای ساختمانی متوقف شده است، به دلیل کمبود نقدینگی بسیاری از خانه‌ها و ساختمانهای تجاری تازه‌ساز خالی مانده است و بسیاری از پروژه‌های ساختمان‌سازی یا لغو شده و یا به حال خود رها شده است و هزاران کارگر ساختمانی از کار بیکار شده‌اند.

یک بازرگان اهل جاکارتا می‌گوید: «هیچکس به فکر توسعه کار و فعالیتش نیست، همه به فکر نجات دادن خود از محاصره و ایستادن روی پای خود هستند.»

آغاز به تعطیل بانکها باز هم به میزان هرج و مرج افزود. دولت اعلام کرد سپرده‌های بالای ۵۵۰۰ دلار مردم در بانکهای را که تعطیل شده‌اند تضمین و پرداخت خواهد کرد (۹۰ درصد سپرده‌های مردم دارائی‌های این بانکها را تشکیل می‌دهد). سپرده‌گذاران عصبی برای بیرون کشیدن پولهای خود به بانکها هجوم آورده‌اند؛ در مقابل یکی از بانکهای جاکارتا مردم به سوی موانعی که از سوی پلیس ایجاد شده بود هجوم بردند و با کوماندوهای سراپا مسلح پلیس به زد و خورد پرداختند. «اوی» جوان بیست ساله جاکارتائی که برای دریافت سپرده‌های مادرش که یک مغازه لوازم التحریر فروشی دارد به بانک هجوم آورده است، می‌گوید: «مردم دارند ورشکست می‌شوند، ما دیگر قادر به پرداخت صورت بهای آب و برق و تلفن، دستمزد کارکنان مغازه و سایر هزینه‌ها نیستیم.»

بحران تنها مقامات رژیم را آزار نمی‌دهد، بلکه قربانی اصلی ملت اندونزی است. گفته می‌شود نیمی از مردم اندونزی زیر خط فقر زندگی می‌کنند که بحران جاری می‌تواند آنها را به ژرفای فقر کامل و ناامیدی فرو برد. از هم اکنون کشورهای نزدیک به اندونزی نظیر سنگاپور، مالزی و استرالیا از وحشت هجوم پناهندگان اقتصادی اندونزی به سواحل خود به لرزه افتاده‌اند. ناظران بر امور منطقه چنین هجومی را منتفی نمی‌دانند، به ویژه آنکه آتش‌سوزیهای عظیم در جنگلهای جاوه و تهدید گردباد هولناک «ال نینو» باعث کمبود فرآورده‌های کشاورزی و افزایش قیمت مواد غذایی شده که بر مشکلات اقتصادی ناشی از بحران افزوده است.

مأخذ مجله تایم - ۱۷ نوامبر ۱۹۹۷

برگردان از بخش ترجمه «گزارش» □